



۲۰۱۷/۰۴/۲۴



م. اسحاق نگارگر

## دولت های ضعیف با سیاست بی پرنسیپ ما را به کجا می برد؟

من این یادداشت را در ۲۴ اپریل سال پار نوشته بودم و اینک می بینم که جناب حامد کرزی باز هم در بام سیاست لرزان کشور سیب های سرخ دیگر افکنده اند و هنوز هم ضد و نقیض می گویند؛ این نوشته را باز بخوانید و اگر می توانید برایش بگویید که بیش از این بر زخم های مردم نمک نپاشند! ۲۴ اپریل ۲۰۱۷  
برمنگهم نگارگر

\*\*\*

این سیاست بی پرنسیپ و این دولت های ضعیف ما را به کجا می برد؟  
می گویند در یکی از دعوت ها برای استاد مرحوم علامه سلجوقی جلی (۱) را که تازه راه خویش در مهمانی های بزرگان کابل باز کرده بود نشان دادند و گفتند: «از این غذا میل بفرمایید که برای نیروی رجولیت و باء بسیار مفید است.»

استاد تبسمی فیلسوفانه فرموده گفتند: «این غذا که صاحب این کمال است نخست کمر لرزان خود را استوار ببندد و آن گاه در فکر استوار بستن کمر دیگران باشد.»

افغان ها چهارده سال دولت سازشکار؛ بی کفایت؛ رشوت خوار و فاسد حامد کرزی را آزمودند و دندان بر جگر نهاده تحمل کردند. بالاخره آن عالیجناب تقاعد خود را با امتیازات بالاتر از فوق العاده گرفت و در خانه مجلل که آن هم از کیسه دولت به ایشان بخشیده شده بود نشست تا به فراغ خاطر استراحت بفرماید.

در دیگر کشورها تقاعد همین معنی را افاده می کند ولی عالیجناب در دوره تقاعد بیشتر از ایام کارداری فعال گردیده است و اینک با عناصر عمده دولت ناکام خویش بار سفر می بندد تا دیگران را با مشوره های گران بهای خویش راه

۱- به گمان اغلب این جلی باید ماغوت بوده باشد، زیرا این ماغوت است که در بین دیسرت ها خودش را در فاشق محکم گرفته نمی تواند. (و. ن. ناشر)

مبارزه با بنیاد گرایی را نشان بدهد و یکی هم خدمت شان عرض نمی کند که "عالیجناب گل اگر دارو می داشت نخست سر پتمن خود را تداوی می کرد. (کل اگر طیب بودی سر خود دوا کردی!!" و. ن. ناشر)

به یاد داشته باشیم که جناب حامد کرزی در تشویق و تقویت افراط گرایی نقشی بس عمده داشت اما نخستین پرسش من این است که مصارف و تکت های سفر این رئیس جمهور متقاعد و وزیران ناموفق او را که می پردازد؟ و هدفش از این مصرف چیست؟

دوم این که کاش جناب حامد کرزی این را هم می گفتند که این پالیسی های ناکام دولت ها که سبب به وجود آمدن افراط گرایی شده است کدام است؟ و چه گونه دولت ها آن پالیسی ها را کنار بگذارند و کدام پالیسی ها و سیاست های تازه را از خود بسازند تا از ضرر های آن خود و مردم خود را نجات بدهند؟

سوم نیز این که آیا جناب رئیس جمهور متقاعد پس از اینکه در خانه نشستند و فرصت تفکر یافتند این سیاست های تازه را کشف کردند و یا در دوران قدرت خود هم از آن خبر داشتند؟ که اگر داشتند چرا نخست کمر دولت خود را استوار نبستند؟

چهارم این که موقف دولت لرزان وحدت ملی در برابر جناب حامد کرزی چیست؟ آیا مذاکرات او با دولت های دیگر موضوع خصوصی و شخصی اوست یا بر سیاست های دولت وحدت ملی نیز اثرگذار است؟ و آیا جناب حامد کرزی این سفر ها را به عنوان سفیر تام الاختیار دولت انجام میدهد؟ اگر چنین باشد چرا دولت آشکارا او را به همین عنوان معرفی نمی کند؟ و یا حقیقت این است که جناب حامد کرزی احساس فرموده است که سیاست امریکا در افغانستان شکست خورده است و اینک متحد دیگری می پالد که سرمایه آزموده را باز بیازماید و باز این اسپ گادبی بی هدف را در خدمت گادبی روس ها بگذارد و بالاخره:

➤ آیا سرنوشت این ملت همین است که همانند یک یتیم بی سرنوشت که هنوز به اصطلاح نافذ جمیع تصرفات شرعی خود نگردیده است باید قیم و بالابین داشته باشد؟

➤ آیا کسی پیدا نمی شود که این ملت را بر سر پای خودش ایستاد کند و برایش بگوید تا فارغ از نفوذ دیگران سری در جیب خود فرو ببرد و از آشوب دویی نجات یابد؟

به هر صورت اگر سفر حامد کرزی در آستانه و مسکو به خیر مردم افغانستان باشد اجر عملش با خدا(ج) است و اما اگر می خواهد خود به قدرت برسد و این بار بر یک متحد خارجی دیگر اتکاء کند من سرنوشت دردناک کارمل و دیگر متحدان روس را به خاطرش می آرم و برایش عرض می کنم که در این دنیای و انفسی: "کس نخارد پشت تو غیر از سر انگشت تو"

فاعتبروا یا اولی الابصار. روز یکشنبه ۲۴ اپریل ۲۰۱۶ برمنگهم نگارگر